

آداب و رسوم ازدواج در ایل بختیاری

دکتر حمدالله صادقی نیا^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۵/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

در زندگی عشایری و کوچ‌نشینی، بعنوان نوعی فرهنگ، انسان با محیط طبیعی رابطه‌ی تنگاتنگ دارد. آثار سبک زندگی کوچ‌نشینی در تمامی امور زندگی و معیشتی کوچ‌نشینان بنحو بارزی دیده می‌شود. پایه و مبنای زندگی عشایری، براساس ایل، طایفه و کوچ‌نشینان قبیله است. افراد یک طایفه اغلب با یکدیگر خویشاوندند. از اینرو ازدواجها بیشتر در سطح تیره و طایفه و بین خویشاوندان نزدیک مثل پسر عمو و دختر عمو، پسر دایی و دختر عمه و غیره انجام می‌گیرد. درمطلب پیش‌رو مراسم ازدواج در بین افراد ایل بختیاری از مقدمات آن، شامل خواستگاری، تعیین مهریه و تبادل هدایا و پاگشا با تأکید بر روش میدانی و مستندات عینی بررسی می‌شود. در پایان هم به انواع دیگر ازدواج در بین برخی از طوایف ایل بختیاری و جنبه‌های مثبت و منفی آنها اشاره می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

کلید واژگان

ایل بختیاری؛ ازدواج؛ آداب و رسوم؛ فرهنگ مردم؛ بزرگان و ریش سفیدان

۱. کارشناس امور فرهنگی و ناظر طرح‌های پژوهشی بنیاد ایرانشناسی

مقدمه

کشور ایران از دیرباز بستر همزیستی اقوام متنوعی بوده است. همزیستی که لازمه تداوم آن، آشنایی بیش از پیش فرهنگها با یکدیگر است.

جامعه کوچک خانواده، نماد مهر و محبت جوامع بشری بشمار میرود. ازدواج در نظر ایرانیان امری مذهبی و عقد قراردادی، میان زن و شوهر است تا بدینوسیله زندگانی مشترک و بقای نسل آدمی تداوم یابد. در جریان این پیوند، آداب و رسوم خاصی شکل میگیرد که چگونگی آن با باورهای اهالی منطقه و رسوم رایج در فرهنگهای مختلف، ارتباطی تنگاتنگ دارد.

مراسم ازدواج یا در زبان عامیانه «عروسی»، مراسمی سنتی یا آیینی است که طی آن آغاز زندگی مشترک یک زوج، جشن گرفته میشود. این رسم در کشورها، فرهنگها، ادیان و مذاهب، گروههای قومی و حتی طبقات اجتماعی گوناگون به اشکال مختلفی برگزار میشود. جشن عروسی از مبحث در کشورهای گوناگون، معمولاً در دفاتر قانونی انجام میشود؛ اما در بین طوایف بختیاری، بخش کارکردی آن نیز با آداب و رسومی خاص همراه است.

در فرهنگ مردم ایران و در مراحل مختلف اجرای مراسم مربوط به ازدواج (از خواستگاری، بله‌برون، تعیین میزان شیربها و مهریه گرفته تا مراسم عقدکنان و جشن عروسی)، پدر و مادر (به‌خصوص مادر) همواره نقشی اساسی در ازدواج فرزندان‌شان دارند، بویژه در گذشته که دختران و پسران، در انتخاب همسر حق اظهار نظر نداشتند و این پدر و مادرها بودند که عروس آینده خود را در عروسیها و مراسم مختلف دیده و پسند میکردند. در این میان دختر نیز حق اظهار نظر نداشت و تابع نظر پدر و مادر و دیگر بزرگان فامیل بود. والدین نیز همیشه ترجیح میدادند که همسر فرزندان‌شان از بین آشنایان یا بستگان نزدیک و دور انتخاب شود. با توجه به این دیدگاه، اینان معتقد بودند که اگر دختری را از میان اقوام یا اهل محل خود برگزینند، با توجه به شناخت از اصل و نسب او، میتوانند به او اطمینان کنند. اما امروزه دختران و پسران جوان، همسر آینده‌شان را خود انتخاب میکنند و در نهایت از نظر پدر و مادر نیز در این انتخاب بهره میجویند.

در گذشته (بیش از پنجاه سال پیش)، داماد تا زمانی که مراسم عروسی انجام نمیگرفت، حق دیدن عروس را نداشت و گاهی اوقات دختر و پسر حتی در مراسم عقدکنان نیز چهره همدیگر را بطور کامل نمیدیدند؛ اما همانطور که گفته شد، امروزه نحوه آشناییها بعلاوه گسترش روابط بسیار تغییر کرده و اغلب جوانان همسر آینده خود را انتخاب میکنند و بعد مراسم خواستگاری انجام میدهند. طی چند دهه گذشته (از اوایل دهه سی تا امروز)، تحولات اقتصادی، اجتماعی و انسانی ویژه‌ی در

کشور آغاز شده که توانسته است در بسیاری از شهرها و روستاها و مناطق جمعیتی ویژه (مناطق عشایری)، «فرهنگ مردم» را دستخوش تحولات و تغییرات فوق‌العاده‌یی کند. قدر مسلم آن است که ناهمگونی‌های بافت جمعیتی و فرهنگی و نیز رفتارهای اجتماعی، بحدی ملموس شده است که بیم آن می‌رود در سالهای نه‌چندان دور، دیگر آثاری از موجودیت و پویایی یک زبان، گویش، آیین و رسوم و در یک کلام، شکلی از فرهنگ مردمی که صدها سال در این کشور رسوخ و گسترش داشته است، مشاهده نشود. در این شرایط، آینده فرهنگی کشور، تحت تأثیر دو آسیب تأثیرگذار؛ اما «میرا» قرار دارد:

اول اینکه، پیران و کهنسالان جامعه، بعنوان حاملان رسوم و آیینها به روزهای پایانی عمر خویش نزدیک میشوند و دوم اینکه، تلاش جمعی برای جمع‌آوری، ضبط و ثبت آیینها صورت نمی‌گیرد. این اثر میکوشد تا شمایی کلی از رفتار و کردار اقوام و طوایف در مناطق مختلف کشور با اتکا بر منابع کتابخانه‌یی و تحقیقات میدانی ارائه دهد و تا بسیاری از رسوم قدیمی و حتی لهجه‌های قدیمی مناطق از بین نرفته است، در حد بضاعت در مسیر قوم‌نگاری قدم برداشته و تا آنجا که ممکن است در جهت حفظ و گاهی احیای این رسوم و گویشها اقدام نماید.

انجام این‌گونه از تحقیقات، بخصوص در بخش تحقیقات میدانی، خالی از گرفتاری و دردسر نیست؛ زیرا یک پژوهشگر علوم انسانی و بویژه علوم اجتماعی، بدلیل دشواری سنجش کیفیتها و تبدیل آن به کمیتها با مشکلات بیشتری روبرو است. علاوه‌برین یکی از بزرگترین موانع مطالعه عشایر کوچ‌رو، آمار و اطلاعات مربوط به دهه‌های گذشته و یکجانشین شدن اغلب آنها در سالیان پیش از آمارگیری بوده که پژوهشگر را از رسیدن به تحلیل جامع باز میدارد. همچنین در مواردی گروهی بدلائل اجتماعی تمایلی به ارائه اطلاعات قومیت‌های خود به پژوهشگر ندارند و آن را از مجموعه اطلاعات محرمانه‌یی میدانند که صلاح نیست در سطحی وسیع گسترش یابد. با تمام این مشکلات در مبحث حاضر سعی بر آن شده است که مراسم ازدواج در میان ایل بختیاری، بگونه برجسته و با توجه به جزئیات به توصیف درآید.

حوزه نفوذ شاخه‌های ایل بختیاری

منطقه بختیاری^۱ در جنوب غربی ایران در امتداد رشته کوه‌های زاگرس (زاگرس میانی) واقع شده

۱. به احتمال زیاد در روزگاری نه‌چندان دور بیشتر نقاط مرکزی و جنوبی کشور در حوزه نفوذ فرهنگ لری بختیاری قرار داشته‌اند؛ ولی پس از مدتی برخورد و تعامل با فرهنگ فارسی و اختلاط فرهنگی، بتدریج فرهنگ

است. این منطقه از سمت شرق به استان اصفهان؛ از شمال به استان اصفهان و لرستان؛ از جنوب به استان کهگیلویه و بویراحمد و از غرب به استان خوزستان محدود است. طوایف بختیاری از دیرباز تاکنون در آن منطقه زندگی میکنند.

شاخه‌های ایل بختیاری^۱ در شهرستانهای داران و فریدون‌شهر (از استان اصفهان)، الیگودرز (از استان لرستان) و شهرستانهای دزفول، اندیمشک، مسجدسلیمان، ایذه و شوشتر (از استان خوزستان) و شهرستانهای بروجن، لردگان و فارسان (از استان چهارمحال و بختیاری) زندگی میکنند. این مناطق به دو قسمت قشلاقی و ییلاقی تقسیم میشوند. قسمتهای قشلاقی عبارتند از: شهرستانهای ایذه، دزفول، اندیمشک، مسجدسلیمان، شوشتر و رامهرمز و قسمتهای ییلاقی عبارتند از: شهرستانهای فارسان، بروجن، لردگان، الیگودرز، داران و فریدون‌شهر (امیر احمدیان، ۱۳۸۷: ۱۹). وسعت منطقه بختیاری حدود ۳۹۹۰۰ کیلومتر مربع برآورد و محاسبه شده است.

بختیارها دارای نظام تشکیلاتی منسجمی هستند که بقای جامعه ایلی را تضمین میکند. ویژگیهای زندگی کوچ‌نشین، برای برقراری نظم و امنیت جانی و مالی گروهها و نیز اعمال سیاست و برقراری نوعی از نظام تشکیلاتی ایل بوجود آمده است. این نظام، مانند نظام تشکیلاتی جوامع یکجانشین دارای شعباتی بوده است. نظام انشعابی این امکان را به جوامع عشایری میدهد که در سلسله مراتب تشکیلاتی، کار اداره جامعه دارای نظمی خاص باشد که در نتیجه بتوان آن را کنترل کرد.

موردی که کوچ‌نشینان را از سایر بخشهای ایلی (اسکان یافته‌ها) متمایز میکند، نظام سیاسی - اجتماعی آنان است. همبستگی و روابط میان گروهی کوچ‌نشینان در چارچوب علائق مشترک جای میگیرد (امان، ۱۳۶۷: ۷۹). در ایل بختیاری، طایفه واحد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و

فارسی جایگزین مهمترین شاخصهای فرهنگ بختیاری، مثل گویش، پوشاک و نوع معیشت شده و در نتیجه این فرهنگ به قبض جغرافیایی دچار و مرز نافذ این فرهنگ به عقب و به سمت استانهای لرستان، چهارمحال بختیاری و خوزستان رانده شده است.

۱. توضیح: ایل بختیاری خود به دو شاخه اصلی بنام «چهار لنگ» و «هفت لنگ» تقسیم میشود که هر یک دارای قلمرو ویژه‌ی هستند که در این مقاله، ناحیه فرهنگی مورد نظر، قلمرو عشایری چهار لنگ بختیاری است. این ناحیه از سمت شمال به شهرستانهای الیگودرز، ازنا و بخشهایی از سمت جنوب غربی به شهرستان خمین؛ از شرق به شهرستان داران در استان اصفهان؛ از غرب به بخشهایی از استان لرستان؛ از جنوب غربی به شهرستان دزفول و از جنوب به بخشهایی از شهرستان مسجد سلیمان محدود میشود (مشیری، ۱۳۷۲: ۱۸). منطقه چهار لنگ بختیاری در دو محدوده مشخص و متفاوت از هم گسترده است؛ بخش شمال و شرق آن که ییلاق عشایری است، بطور کلی در محدوده زاگرس قرار دارد و انتهای آن به فلات مرکزی منتهی میشود. بخش دوم که محدوده زیستی قشلاق عشایر بختیاری را تشکیل میدهد، در حاشیه شمالی جلگه خوزستان؛ یعنی در سردشت و لیوس (شمال دزفول) واقع است (همان: ۱۶۹ - ۱۷۱).

فرهنگی بوده است. در حال حاضر در بین خانوارهای کوچنده ایل، با وجود فروپاشی تشکیلات سازمانی ایل، طایفه عنصری پاینده بنظر میرسد؛ هرچند که در رأس آن کلانتر وجود ندارد و اعضای آن از نظر سلسله مراتب از هیچ مقامی تبعیت نمیکنند. درحقیقت میتوان گفت که اعضای یک طایفه، بیشتر خود را از نظر همخونی و خویشاوندی با طایفه مرتبط میدانند (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۳۸ - ۳۹).

لرهای بختیاری مورد مطالعه در مبدأ به سه گروه تقسیم میشوند:

۱. اسکان یافته‌های یک‌جانشین که زندگی آنها کمتر شباهتی با نظام ایلی دارد؛
۲. مردمانی که در حال انتقال بین یک‌جانشینی و کوچ‌نشینی هستند و با ترکیب نظام ایلی روزگار میگذرانند؛
۳. مردمان عشایری که نظام ایلی با طبیعت و فطرت آنان عجین شده است (امان، ۱۳۶۷: ۱۰۲-۱۰۳).

خصوصیات مردم بختیاری

مردم بختیاری، عموماً شجاع، سلحشور، پرکار، زحمتکش و قانع هستند و در اسب‌سواری و تیراندازی مهارت دارند، به درستکاری مشهورند، متواضع و باصالتند و اکثر مردان و زنان، خوش هیکل و دارای قامت بلند، اندامی متناسب و ورزیده‌اند. بسیاری از آداب و رسوم و عقاید آنان از زمانهای قدیم، سینه به سینه منتقل شده و جزئی از واجبات زندگی آنها شده است. مهمان‌نوازی از خصوصیات بسیار خوب آنان است و چون معتقدند که ایل متعلق به همه افراد ایل است، یکدیگر را کمتر دعوت میکنند (مشیری، ۱۳۷۲: ۲۱۰-۲۱۲).

آداب و رسوم ازدواج در بین ایل بختیاری

در جوامع انسانی، تنوع بسیار گوناگونی در ساخت و نحوه شکل‌گیری خانواده‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر وجود دارد. مراسم ازدواج یکی از مقدمات این شکل‌گیریهاست. مراسم ازدواج یا در زبان عامیانه «عروسی» مراسمی سنتی یا آیینی است که طی آن، آغاز یک ازدواج و زندگی مشترک زوجی جشن گرفته میشود. این مراسم در کشورها، فرهنگها، ادیان و مذاهب، گروههای قومی و حتی طبقه‌های گوناگون اجتماعی به اشکال مختلف برگزار میشود.

ازدواج در بین عشایر بختیاری بر پایه سنتهای کهن، تحکیم روابط خویشاوندی، ایجاد همبستگی و گسترش تیره و طایفه است. در بین عشایر بختیاری، مانند دیگر عشایر، نظر پدر، مادر و بزرگان

(پیرزنان و پیرمردان و ریش سفیدان و...)، بعنوان میراث‌داران فرهنگ بختیاری محترم شمرده میشود. احترام به این اشخاص و ضرورت حضورشان در مراسم مرتبط با ازدواج، سبب تسهیل در انجام امور شده و کارها بشکل معقولانه‌تری انجام میگردد. آنها در تعیین میزان مهریه و مبلغ شیربها، همچنین تهیه سیاهه^۱ جهیزیه و تعیین زمان عقد و عروسی نقش مهمی ایفا میکنند. از آنجا که در بین بختیاریهایی یک محل، همه خانواده‌ها همدیگر را میشناسند، بنابراین تشکیل خانواده و انتخاب همسر کار زیاد مشکلی نیست. بعد از انتخاب دختر توسط پسر و با تأیید پدر و مادر و بزرگان فامیل، پدر و مادر پسر، برای انجام خواستگاری به خانه پدر دختر میروند و پس از کسب اجازه از آنها، چند شب بعد، به همراه حدود بیست نفر از بزرگان طایفه و فامیل به خانه عروس رفته و پس از گفتگو و توافق درباره شیربها و مهریه، مادر داماد انگشتی را بعنوان نشان بدست عروس کرده و بدین ترتیب قرار روز عقد گذاشته میشود. البته اگر در بین افراد ایل، کسی از دنیا رفته باشد، برپایی مراسم عقد و عروسی تا بعد از چهل‌م شخص متوفی به تعویق می‌افتد.

آداب و رسوم خواستگاری

بعد از موافقت پدر دختر، عده‌یی از خانواده پسر پس از یک هفته، برای دختر هدایایی از قبیل پیراهن، شلوار، کفش و حنا می‌برند که به آن «دستگیران» می‌گویند و بعد در جلسه‌یی شیربها را تعیین میکنند. در همین جلسه (مهریه) نیز تعیین میشود. به این جلسه «پاشکنان» می‌گویند؛ یعنی پدر دختر حق شوهر دادن وی را به دیگری ندارد. مراسم خواستگاری رامهرمزیه‌ها در گذشته‌های دور با زمان حال بسیار متفاوت بوده است. بدین ترتیب که ابتدا خانواده پسر با بزرگان خود به خواستگاری دختر رفته و با گرفتن بله از خانواده دختر، مقدمات کار را برای مراحل بعدی آماده میکردند.

زون گشون

«زون گشون»^۲ یا «بله گفتن» با هدیه دادن توسط اقوام داماد به پدر عروس همراه است. این هدیه، به معنی آن است که وی قبول کرده تا پیرامون خواستگاری از دخترش صحبت کنند. چنین هدیه‌یی معمولاً یک رأس قاطر یا یک قبضه تفنگ و چیزهایی مشابه آن است که سرانجام پس

۱. تهیه فهرست گونه‌یی از اجناس مورد نیاز عروس و داماد؛ ویراستار.

از عروسی به عروس بخشیده میشود. پس از بله گفتن دختر، بعنوان هدیه پارچه‌یی برای دوخت لباس به دختر میدهند که به آن «بله بندون»^۱ میگویند.

خواستگاری و دست بوسون

خواستگاری را در اصطلاح محلی بختیاری «کدخدایی»^۲ میگویند. در جلسه خواستگاری بزرگان و ریش سفیدان هر دو طرف پس از گفتگو نظر خود را اعلام میکنند.

«دست بوسون»^۳ یا «شیرنی خورون» پس از آن که خانواده داماد اجازه صحبت کردن از سوی خانواده دختر را گرفتند، با هماهنگی قبلی روز و ساعت نیکی را بر میگزینند تا با آمادگی کامل و به همراه افراد فامیل و طایفه و عده‌یی از بزرگان، سواره و پیاده با نواختن ساز و دهل و به همراه داشتن چندین رأس گوسفند کشتی^۴ و سایر وسایل پذیرایی که کاملاً بر عهده داماد است، بسوی خانه پدر عروس رهسپار میشوند و بیشتر اوقات گوسفندان پیشاپیش، توسط یکی از جوانان فامیل داماد فرستاده میشوند. در طول راه خانواده داماد و همراهان به سواربازی و شلیک تیرهای هوایی میپردازند و شادی کنان به خواندن آوازی بنام «دوالالی»^۵ که نوعی سرود و آهنگ شادی است، مشغول میشوند؛ البته این آواز معمولاً توسط زنان و دختران ایل به هنگام برگزاری مراسم عروسی خوانده میشود و در پاره‌یی مواقع همراه با «کل و گاله»^۶ زنان و مردان جوان ایل همراه میشود که منظره بسیار بدیع و خاطره‌انگیزی را در ذهنها بجای میگذارد. پس از رسیدن خانواده داماد و همراهان به نزدیکی خانه عروس، پدر عروس از آنان استقبال بعمل می‌آورد.

خرج برون

در رسم «خرج برون»^۷ یا «قرج برون»^۸ که در آن بزرگان دو خانواده از طرف دختر و پسر حضور دارند، پدر داماد و پدر عروس بعد از تعارفاتی چند، وارد مذاکره شده و هر یک با نزدیکان خود

1. Bale Bandun
2. Kadkhodaei
3. Dastbusoon

۴. به معنای گوسفندی است که در جریان آن مراسم قربانی میشود.

5. Duvalali
6. Kelogale
7. Kharj Baroon
8. Gharj Baroon

به شور می‌نشینند و بدین ترتیب، مبلغ شیربها و مهریه^۱ تعیین میشود. پس از تبادل نظر پیرامون مسائل مادی از قبیل حق شیر(شیربها) و پشت قبالة (مهریه)، مباحثی را مطرح و سرانجام با وساطت بزرگان و ریش سفیدان طایفه، طبق سنت حسنة اسلام به توافق میرسند. گوسفند، اسب و قاطر و پول نقد و... اغلب بعنوان شیربها در نظر گرفته میشود و در بعضی مواقع علاوه بر وجه نقد، ملک (زمین و خانه) و باغ نیز بعنوان پشت قبالة (مهریه) مطرح شده است؛ ولی مبلغ مورد توافق، در نهایت با توجه به مقتضیات، رقم بسیار ناچیزی خواهد بود؛ اما میزان حق شیر فقط بستگی به چشم و هم‌چشمی و دور و نزدیکی فامیل داشته و اگر طرفین از دو طایفه باشند، بدیهی است که مبلغ مورد توافق یا تعداد گوسفندان و حیواناتی که بابت (شیربها) در نظر گرفته میشود، میزان قابل ملاحظه‌یی را تشکیل میدهد.

بعد از توافق نهایی، حاضران دست پدر عروس را می‌بوسند و به‌همین منظور این مرحله «دست بوسون» نام گرفته است. پس از نوشتن صورت مجلس و رد و بدل شدن وجوه مورد توافق، صورت مجلس^۲ و شناسنامه دختر را تا هنگام عروسی نزدیک نفر معتمد که از سوی طرفین انتخاب میشود، به امانت می‌گذارند. این صورت مجلس و شناسنامه با حضور افراد شایسته (پدر و مادر عروس و داماد و بزرگان دیگر) در موعد مقرر تحویل داماد داده میشود (کریم زاده، ۱۳۸۷). با پول نقد تهیه شده، بعنوان شیربها، برای دختر جهیزیه تهیه میشود. در صورت توافق طرفین، پدر عروس مبلغی از مهریه را به عنوان «ته دستمالی» به داماد هدیه میدهد تا او برای خودک، شلوار و... تهیه کند. در قدیم گاهی قسمتی از مهریه، گلوله‌هایی از نمک بود که به آن «آرانمکی»^۳ میگفتند. میزان شیربها (تا اواخر دهه هشتاد خورشیدی)، معمولاً هفتصد هزار تومان و میزان مهریه حدود پنج میلیون تومان بود که گاه بجای پول، دوازده یا چهارده سکه طلا و یا قطعه زمینی که باید پشت قبالة عروس انداخته شود، معین میشد. مراسم عقد و عروسی بطور معمول در یک روز انجام میشود.

در ایذه که یکی از مناطق عمده بختیاری‌نشین خوزستان است، بعد از توافقات انجام شده در جلسه خواستگاری، تاریخی نیز برای عقد تعیین میشود. والدین دختر و پسر (معمولاً مادر عروس و چند

۱. مهریه، زمین یا سکه رایج است که به آن «پشت قبالة» نیز میگویند. شیربها بصورت نقدی پرداخت میشود.

۲. ورقه‌یی که در آن مذاکرات و یا تصمیمات اعضای مجلسی را نویسند. آنچه ماجرای مجلسی در آن ثبت شود، محضر (دهخدا).

زن از خانواده طرفین)، برای خرید حلقه انگشتر؛ لباس کامل و کفش برای عروس؛ کت و شلوار، کفش و ساعت برای داماد به بازار میروند. در روستاهای لرنشین بهبهان عقد را «بَلکِ اسَدَن»^۱ یا «بله گرفتن» میگویند.

آداب و رسوم نامزدی

در طول دوره نامزدی، هرگاه داماد جهت سرکشی و احوالپرسی به خانه نامزد خود (عروس) عزیمت میکرد، هدایایی از قبیل سکه‌های نقره و گاهی طلا و پارچه یا روسری به همراه میبرد. اگر پیش از عروسی مصادف با عید نوروز بود، مادر و خواهر داماد غذایی از برنج و گوشت و غیره، تحت عنوان «آش عیدی» به خانه عروس میبردند. متأسفانه امروزه بیشتر این سنتها در زیر غبار زمان پنهان شده و فقط برخی از آنها کمابیش رایج هستند؛ اما آنها هم بتدریج به کهنگی گراییده‌اند و این فرهنگ پربار می‌رود تا با بی‌مهری و کم‌التفاتی از صفحه ذهنها محو شود و غروب حیات خود را بنظاره بنشیند.

جهیزیه

علاوه بر مقداری وسایل زندگی و سایر لوازم شخصی که از سوی پدر دختر بعنوان جهیزیه به دختر داده میشود، معمولاً یک رأس قاطر ماده یا مادیان اصیل هم برای سواری به وی داده میشود. همچنین یک رأس ماده گاو، بمنظور استفاده از شیر آن و یک عدد «باده»^۲ (بادیه) مسی برای استفاده در حمام به عروس داده میشود.

از گذشته تاکنون در رامهرمز در استان خوزستان، خانواده داماد با آوردن لحاف دوز و ظرفی بزرگ از حلوا و غذا «نهار ظهر»، به خانه دختر رفته و مراسم «تُشک و لحاف دوزی» را انجام میدهند (یوسفی، ۱۳۶۷: ۳۲-۳۵؛ نظری و عاطفی، ۱۳۸۷).

لباس عروس و داماد بختیاری

امروزه لباس تور و سفید رنگ برای عروسها در بسیاری از کشورها و اقوام از جمله کشور ایران مرسوم است. با وجود فراگیر شدن رنگ سفید برای لباس عروسی، عروسهای بختیاری به لباسهای

1. Balak Essaddan

۲. Bade. ظرفی که از آن بعنوان تشت آب، در حمامهای عمومی استفاده میشد (ویراستار).

ملی و سنتی خود وفادار مانده و همچنان از لباسهای محلی و رنگهای شاد و زنده، برای لباس عروس استفاده میکنند. البته با توجه به آنکه نوع و کیفیت مراسم ازدواج و پوشش عروس و داماد به فرهنگ و آداب هر جامعه‌ی بستگی دارد؛ ولی گاهی در بین عشایر بختیاری، زمانی که داماد با لباس رسمی کشور؛ یعنی کت و شلوار در مراسم عروسی حاضر میشود، دختران بختیاری باز هم از همان لباس عروس محلی و رنگارنگ خود استفاده میکنند. در مناطق لر نشین خوزستان مانند رامهرمز، مراسمی به نام «لباس عروس دوزی» بود که خانواده‌ی داماد با آوردن خیاط به خانه‌ی دختر رفته و مراسم دوختن لباس برای عروس را انجام میدادند (همان).

عروسی

عصر روز عروسی، عروس را آراسته و زینت داده و داماد نیز برای بردن عروس به خانه‌ی خود، شیرینی را که از قبل تهیه کرده، با همراهان خود به خانه‌ی عروس میبرد. بعد از جاری شدن خطبه‌ی عقد، عروس را پیاده یا سوار بر اسب به خانه‌ی داماد می‌آورند و آن شب در خانه‌ی داماد از تمام فامیل عروس و داماد پذیرایی شده و به آنها شام داده میشود. در گذشته هر خانواده که به مراسم جشن عروسی دعوت میشد، مبلغ سه‌هزار تومان، بعنوان هدیه در یک سینی که به همین مناسبت بین مهمانان گردانیده میشد، میریخت. امروزه مراسم جشن عروسی در دو خانه و بصورت زنانه و مردانه برگزار میشود و میزان هدیه نیز به میزان توانایی مدعوین و نسبت فامیلی آنها با عروس و داماد ارتباط پیدا میکند (کاظمی، ۱۳۸۷).

حنابندان

مقدمات عروسی در ایذه معمولاً دو تا سه روز طول میکشد. روز اول، حنابندان است. در این روز توشمالها^۱ به نوازندگی مشغول میشوند. در رامهرمز، در شب عروسی، توشمالها بعد از ظهر شروع به نواختن ساز و دهل میکنند و این کار تا پاسی از شب ادامه دارد؛ البته با توجه به وضعیت مالی خانواده‌ی داماد، کار توشمالها میتواند از یک‌روز تا هفت‌روز ادامه داشته باشد. زن و مرد به هنگام شنیدن آوای موسیقی توشمالها به وجد آمده و شروع به رقص و چوب‌بازی و دستمال‌بازی میکردند. در عصر روز حنابندان، خواهران داماد به همراه سایر زنان و اقوام خانواده‌ی داماد، در حالی

۱. Toshmal، افرادی که در مناطق بختیاری نشین، شغلشان نوازندگی در مجالس عزا و عروسیست.

که توشمالها پیشاپیش آنها مینوازند، به خانهٔ عروس میروند و مقداری حنا نیز به آنجا برده میشود. هنگام شب، حنای خیس شده را در بشقاب کوچکی قرار میدهند. خانوادهٔ داماد، بشقاب حاوی حنا را به اطافی که عروس در آنجا نشسته است، برده و مقداری از آن را بر سر و دست عروس میگذارند. متقابلاً همین کار را خانوادهٔ عروس برای داماد هم انجام میدهند. در مناطق لرنشین خوزستان، مانند رامهرمز مراسم «دوزک»^۱ یا «زن طلبون»^۲ اصلی که مقدمات مراسم حنابندان بود، انجام میشد. در طی این مراسم، زنان فامیل و همسایه‌های دور و نزدیک، برای حنابندان و عروسی دعوت میشدند و این اعلام رسمی مراسم ازدواج بود. همچنین در این مناطق در روز حنابندان، خانوادهٔ داماد، عروس را به حمام میبردند و در حین بازگشت از حمام میخواندند:

حَنا حَنا گول گول بند حنا

Hana Hana Gol Gol bande Hana

عروس حنا میبندد، چهار دست و پا مینده

Arus Hana Mibande , Char Dasto Pa Mibande

اگه حنا نباشه، ورق طلا مینده

Age Hana Nabashe Varaghe Tala Mibande

پا بن کیش پوست پیاز

Pa Benkeshe Pooste Piaz

خوش اومدین به حجله دوماد

Khosh Umedin Be Hejlehe Doomad

(نظری و عاطفی، ۱۳۸۷).

مانند بسیاری از نقاط ایران، در بین اقوام لر و بختیاری مرسوم است، چنانچه فردی از اقوام عروس یا داماد فوت کرده باشد، خانوادهٔ عروس یا داماد نزد آنها رفته، برای برگزاری مراسم حنابندان و سایر مراسم مرتبط با عروسی از آنها اجازه بگیرند؛ البته این در صورتی است که حتماً مدتی از چهلم متوفی گذشته باشد.

پس از آمادگی داماد و تبادل نظر لازم و هماهنگی با خانوادهٔ عروس و تدارک نسبتاً وسیع برای برگزاری مراسم عروسی، داماد یا برادر او در بین طایفه‌هایی که به نوعی با آنها وابستگی دارند،

1. Dozak

2. Zan Talaboon

می‌رود و به جمع آوری «اوزی»^۱ یا «باروزی»^۲ که هدیهٔ عروسی است، می‌پردازد. مردم هم بعنوان هدیه، گوسفند و بز و غیره به او میدهند. از اینرو تعداد گوسفندان کشتی عروسی گاهی خیلی بیشتر از تعداد مورد نیاز فراهم میشود که حیوانات مازاد، به سایر حیوانات و دارایی داماد افزوده میشوند. نتیجهٔ این امر پایداری یکی از سنتهای حسنه و کم‌نظیر در بین ایل است که جزئی از فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی آنان بشمار می‌آید. این کار باعث میشود که زوج جوان در آغاز زندگی مشترک، با فشار مالی مواجه نشوند. هنگامی که کار «اوزی» گرفتن به پایان میرسد، زنان و مردان فامیل و طایفه‌های وابسته بعد از جمع شدن بصورت سواره و پیاده، همراه با ساز و دهل، در حالی که گوسفندان و سایر بار و بُنهٔ تهیه شده را توسط چند نفر جوان، پیشاپیش، روانهٔ خانهٔ پدر عروس میکنند، خود نیز عازم آنجا میشوند. حضار در خانهٔ پدر عروس، بعد از صرف غذا و در هنگام «عروس بران»، مقداری قند یا نان و پنیری را که در پارچهٔ سبز رنگی گذاشته شده است، به کمر عروس میندند. این کار که بوسیلهٔ پسرعمو یا پسر دایی نابالغ عروس انجام میشود، به این نیت است که عروس همراه خود خیر و برکت به خانهٔ داماد ببرد. آنگاه او را در حالی که چادر سفیدی بر سر دارد، سوار بر مادیانی اصیل میکنند و دستمالی (روسری) از جنس حریر یا ابریشم روی سرش می‌اندازند که به آن «سرانداز» یا «ری برقه»^۳ میگویند تا بدین وسیله صورت او را هم پوشانده باشند. آنگاه پسر بچهٔ خردسالی را بر ترک او سوار میکنند، به نیت اینکه ثمرهٔ ازدواج و فرزند اول آنها پسر باشد.

در میان راه و به هنگام رفتن به خانهٔ داماد، در حالی که عروس و کاروان همراه عروس با هلهله و شادی و تیراندازی از سوی سواران فامیل و همراهان داماد، همسو با نواختن ساز و دهل و خواندن آواز دوالالی، توسط زنان و کل و گاله کشیدن و شلیک تیرهای هوایی همراهی میشوند، سوارکاران به سواربازی و هنرنمایی می‌پردازند و داماد در حالی که بر اسبی تیزرو و چابک سوار است، با یک حرکت چست و چالاک «ری برقه» (سرانداز) عروس را ربوده و با جست و خیز چشمگیری فرار کرده و بقیهٔ سوارکاران همراه، وی را تعقیب میکنند تا شاید بتوانند سراندار را از وی بگیرند. چنانچه فردی موفق به گرفتن دستمال (سرانداز) از داماد بشود، مجدداً همگی فرد سرانداز گیرنده را دنبال میکنند و همین وضع تا خانهٔ داماد ادامه پیدا میکند. در بین راه چوپانانی که در مسیر حرکت عروس و همراهان وی چوپانی میکنند، با آوردن قوچ گله، جلوی عروس را میگیرند.

1. Ozi

2. Barozi

3. Rai - Barghe

انجام این رسم با این نیت صورت میگیرد که فرزند اول عروس و داماد پسر شود و در این رهگذر داماد یا یکی از بستگان او هدیه‌یی که غالباً وجه نقد است، به آورنده قوچ میدهند و اگر مسافت طولانی باشد، ممکن است این عمل چندین بار تکرار شود و هر بار هدیه‌یی از سوی داماد یا همراهان نزدیک او، به آورنده قوچ گله داده شود.

حجله دامادی

در رامهرمز این کار بوسیله جوانان انجام میشود؛ بدین شکل که جوانان با رفتن به باغهای گوشه و کنار شهر و آوردن شاخه‌های «مورد و مَشَمک»^۱ (شاخه‌های پرتقال و نارنج و لیمو، به همراه میوه و مرکباتشان) و زینت دادن اطاق دامادی با آن شاخه‌های خوشبو، عطر دلپذیری را به فضای اطاق هدیه میکردند و سپس با خواندن ترانه‌های زیر احساسات خود را بیان میکردند.

حِیله (حجله) بَسْتُم حِیله بَسْتُم، حِیله سِی و سه رنگ

Heile Bastom Heile Bastom , Heileye sio se Rang

پشت حِیله کاکا جُونیم، خُوسیده، شیر و پلنگ

Poshte Heile Kaka Joonim , Khoside Shiro Palang

حِیله بَسْتُم حِیله بَسْتُم، حِیله با چوب زَفرون^۲

Heile Bastom Heile Bastom , Heile Ba Choob Zaferoon

هر کجا دو ماد گذرده، ماشالا نومی خدا

Har koja doomad Gozardeh , Mashallah Noome Khoda

بختیارها بر این باورند که ارواح پلید بوسیله نوک سنجاق و اشیای تیز مجروح میشوند. از اینرو در روز عروسی، میخ نوک تیزی در حجله عروس میشانند (همان).

گِرَزِنُون

در مناطق بختیاری به هنگام رسیدن عروس به خانه داماد، ابتدا عروس وارد خانه نمیشود؛ زیرا مرحله «گِرَزِنُون»^۳ فرا رسیده و عروس بدون دریافت هدیه از داماد یا پدر او وارد خانه وی

1. Mord - o - Mashmak

۲. زعفران

3. Gerzenoon

نمیشود؛ سپس مرحلهٔ قربانی کردن گوسفند فرا میرسد. از اینرو یک رأس گوسفند را که قبلاً بمنظور قربانی کردن در پیش پای عروس آماده کرده‌اند، سر میبرند و کفش عروس را به خون آن آغشته میکنند.

روگشون

پس از صرف شام و پذیرایی از مدعوین، مرحلهٔ «روگشون»^۱ فرا میرسد و اکثریت دعوت‌شدگان بنا به سنت و با توجه به وسع و توانایی خویش، مبلغی را بعنوان هدیه به عروس میدهند، در عوض اگر هدیه دهنده مرد باشد، متقابلاً از طرف عروس یک جفت جوراب و یک عدد دستمال مردانه به وی هدیه داده میشود؛ اما اگر هدیه دهنده زن یا دختر باشد، به وی جوراب و روسری زنانه داده میشود.

سرسرفه‌یی

در شب عروسی مهمانان مبلغی پول، بعنوان هدیه به داماد میدهند که نام فرد دهندهٔ پول و میزان هدیهٔ پرداختی به وی یادداشت میشود. در مناطق روستایی اندیمشک که قوم غالب در آنجا لر هستند، در شب عروسی تمام کسانی که دعوت شده‌اند به داماد پول میدهند. بدین شکل که بعد از صرف غذا، یک نفر سینی در دست میگیرد و مردم به فراخور توان خود، مقداری پول در آن میگذارند که به آن «سر سرفه‌یی» (سر سرفه‌یی) یا «جا دستمال» میگویند. صبح بعد از عروسی، غذایی که به آن آش «دم پردگونی»^۲ (غذایی که پشت پرده آماده شده است)^۳ میگویند از طرف خانوادهٔ عروس تدارک دیده شده و به خانهٔ داماد برده میشود.

پاگشون

در ایذه چند روز بعد از مراسم عروسی، عروس و داماد به خانهٔ پدر عروس میروند. پدر عروس هدایایی چون لباس، طلا و پیراهن به دختر و داماد خود میدهد. در مناطق لر نشین اندیمشک، پدر عروس به دخترش یک گوسفند هدیه میدهد. چند روز پس از مراسم عروسی، فامیل عروس

1. Raigushoon

2. Damepardegooni

۳. منظور غذایی است که دور از انظار دیگران و با دقت و وسواس خاصی آماده شده باشد.

و داماد آنها را به صرف نهار یا شام دعوت میکنند و هدیه‌یی نیز به فراخور توانایی خود به آنان میدهند. این رسم همان «پاگشا کردن» یا بنا به تلفظ بختیارها، «پاگشون»^۱ است.

انواع ازدواج در بین بختیارها

در بین بختیارها، علاوه بر ازدواج فامیلی و ازدواج در بین تیره و طایفه که ذکر آن رفت، انواع دیگری از ازدواج هم وجود دارد که در اینجا به آنها پرداخته میشود.

ازدواج ناف بُرون

«ناف بُرون»^۲ رسمی بود که در گذشته در جریان همسرگزینی، میان قوم لر و بختیاری متداول بوده است. بدین صورت که با به دنیا آمدن نوزاد دختر، ناف او را به نام پسر مورد نظر میبردند و در عرف محلی میگفتند «این دختر ناف بُر فلانیست». بر اساس این عقیده، دختر و پسر باید در آینده با هم ازدواج میکردند. مردم محل نیز با دانستن این موضوع، هنگامی که دختر مورد نظر به سن ازدواج میرسید، به خواستگاری او نمیرفتند. با این اوصاف، عملاً سرنوشت آتی این دختر و پسر از همان ابتدا و غافل از هرگونه مسائل اخلاقی و اجتماعی، داشتن تفاهم یا سایر شرایط یک ازدواج اصولی، بدست والدین آنها رقم میخورد. با انجام این کار، این باور در دوره کودکی، نوجوانی و جوانی در آنان پدید می‌آید که این دو به هم تعلق دارند و به همین دلیل دیگر جرأت اظهار نظر عملاً از آنان سلب میشود و آنها ناگزیر به تسلیم در برابر اقدامات انجام شده بودند.

در این میان چیزی که بدان اهمیت داده نمیشد، نظر دختر و پسر بود؛ حتی اگر یک یا هر دوی آنها از این پیوند عمیقاً ناخشنود بودند؛ البته امروزه میزان اینگونه ازدواجها بسیار کم شده؛ زیرا تجربه نشان داده است که اینگونه پیوندها، بدلیل کاملاً روشن و بدیهی کمتر موفق بوده‌اند.

در مورد این نوع ازدواج میان لرهای شوش، رسمی بنام «بَلِکِه»^۳ (بلکه برون) وجود داشت. در این رسم از سوی خانواده پسر تازه تولد یافته، دستمالی بنام «بَلِکِه» نزد خانواده‌یی که نوزاد دختر به دنیا آورده بودند، برده میشد تا او را برای پسرشان، نشان کرده باشند.

1. Pagoshoon

2. Nafboroon

3. Balake

ازدواج گا به گا

ازدواج «گا به گا» نوع دیگری از ازدواج است که در میان ایل بختیاری وجود داشته است. هر گاه در میان دو خانواده دختر و پسر مجرد و جوانی وجود داشته باشد، بنا به تمایل طرفین هر یک از برادران، خواهر خود را به ازدواج طرف مقابل در می‌آورد؛ یعنی بین دو خانواده، پسرهای این دو خانواده با دخترهای طرف مقابل ازدواج میکنند که به این نوع وصلت، ازدواج «گا به گا» میگویند. چنین ازدواجی مشکلات کمتری را در پی داشته؛ زیرا ضمانت تأمین سلامت هر یک از خانواده‌ها در سلامت پیوند طرف مقابل گره خورده است و کمتر اتفاق می‌افتد که بین چنین خانواده‌هایی برخورد جدی روی دهد؛ زیرا در هرگونه برخوردی، خواهر شخص بوجود آورنده تنش که زن طرف مقابل است، میداند که چنین برخوردی را در پیش روی خواهد داشت. بنابراین علاوه بر علاقه شخصی، انگیزه یاد شده بالا نیز تأثیر بسزایی در آرامش زندگی این زوجها داشته است.

ازدواج فامیلی

ازدواج فامیلی یکی از ریشه‌دارترین و بیشترین نوع ازدواجها در ایل بختیاری بشمار میرود. گستردگی این نوع ازدواج زباند خاص و عام است. شدت اعتقاد به این نوع ازدواج بحدی است که هرگاه در خانواده‌یی پسر جوانی به سن ازدواج میرسد و یکی از دختران عمو، عمه، خاله، دایی یا دیگر افراد فامیل نزدیک وی مجرد باشند، این جوان حق ندارد به خواستگاری دختر بیگانه‌یی برود؛ زیرا عمل او توهین به خانواده‌های دختردار فامیل محسوب میشود و بزرگان خانواده و طایفه چنین عملی را سنت‌شکنی دانسته و آن را مورد نکوهش قرار میدهند. بنابراین هرگاه چنین جوانانی (پسرانی که به سن ازدواج میرسند) قصد پیوند زناشویی داشته باشند، نخست باید به خواستگاری یکی از دختران فامیل نزدیک خود بروند و اگر درخواست آنان مورد موافقت قرار نگرفت، آنگاه حق دارند از میان دختران غیر فامیل، همسر آینده خویش را برگزینند. قدیمیهای ایل و حتی تعداد زیادی از امروزیها معتقدند که با ازدواجهای فامیلی، پیوند خانوادگی آنها پیوسته مستحکم و استوار باقی خواهد ماند و فاصله‌یی بین آنان ایجاد نمیشود. از سویی فرزندان اینگونه خویشاوندیها از لحاظ ژنتیکی، اجتماعی و فیزیکی از وضعیت محکمتر و سلامت بیشتری

برخوردار خواهند بود، تا نسلهای بعدی دچار تزلزل نشوند.^۱ این شیوه ازدواج صرف نظر از پاره‌یی تغییرات جزئی همچنان پا برجا مانده است و هنوز هم در بسیاری از خانواده‌ها رعایت میشود و اگر زن و شوهر برای بچه‌دار شدن از لحاظ ژنتیکی مشکلی نداشته باشند، قدر مسلم آن است که اینگونه ازدواجها در پایداری زندگی زناشویی و اتحاد و همبستگی بین طایفه و فامیل بسیار مؤثر خواهند بود.

ازدواج هم بهری بودن

ازدواج «هم بهری بودن»^۲، بدین شکل بود که شخصی از دوران کودکی یا نوجوانی نزد خانواده‌یی مشغول کار میشد و شخص صاحبخانه یا صاحبکار پس از مدتی با اطمینان از صداقت، پاکی، درستی و همچنین زرنگی و مهارت در کار یا بدلائیل دیگری او را بعنوان شریک یا «هم بهر» قبول میکرد. نحوه هم بهر بودن بگونه‌یی بود که صاحبخانه یا صاحبکار او را در تمام اموال خود، مانند فرزندان شریک میکرد. در این مواقع رسم بر این بود، چنانچه شخص مورد نظر از دختر صاحبخانه (صاحبکار) خواستگاری میکرد، صاحبخانه بدون اینکه از فرد مورد نظر (داماد) شیربها یا مهریه بگیرد و نیز بدون گرفتن هیچگونه وجه یا تضمینی (چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی)، دختر خود را به عقد او در می آورد. علت ساده گرفتن امر ازدواج برای این افراد، این بود که این دو نفر (صاحبکار و هم بهر) همدیگر را قبول داشتند و بعنوان رفیق و شریک مورد اعتماد کامل یکدیگر بودند (علیدوستی، ۱۳۹۲).

ازدواج خون بس

بختیارها با تکیه بر باور و خلق و خوی خویش کمتر ظلم و فشار را تحمل میکنند و چنانچه اجحافی در حق آنان روا شود، سریعاً درصدد انتقام بر می آیند. بنابراین با بروز هرگونه تنشی ممکن بود، نزاعی میان دو طایفه یا دو خانواده بوجود آید که در نتیجه یک یا چند نفر در این درگیری کشته میشدند و بمحض وقوع چنین حادثه‌ای، تعدادی از اقوام مقتول یا مقتولان بدنبال انتقام‌گیری بر می آمدند و اگر میانجی‌گری اشخاص خیر و بزرگان ایل نبود، این کشت و کشتارها همچنان تداوم مییافت؛ اما دخالت بزرگان طایفه‌های دیگر از تکرار درگیری و خونریزیهای

۱. این اعتقاد با کشفیات علوم پزشکی و ژنتیکی مغایرت دارد.

مشابه جلوگیری می‌کرد. مصلحان برای این که بتوانند ضمن پیشگیری از هرگونه اقدام انتقام‌جویانه، زمینه تفاهم نسبی را نیز فراهم آورند، نخست با بزرگان دو طایفه وارد مذاکره شده و آنگاه با فروکش کردن موضوع نزاعها، برای اینکه بتوانند هرچه بیشتر دو خانواده از دو طایفه را به هم نزدیکتر کنند، پیوندی خونی بین آنان برقرار می‌کردند. نحوه انجام اینگونه پیوندها بدین صورت بود که پس از گرفتن رضایت از دو طرف برای سازش، بصورت عشایری موضوع بنحوه پرداخت خونبها کشیده میشد. بعد از زحمات فراوان توسط سادات، کدخدایان و ریش سفیدان که معمولاً عده آنها کم نیست، خانواده قاتل به این نتیجه میرسیدند که هرچه خانواده مقتول طلب کند، باید توسط طایفه قاتل پرداخت شود و معمولاً خونبها را بصورت دادن دختری از طایفه قاتل، به همراه پول و احشام به خانواده مقتول انجام میدادند. ریش سفیدان و بزرگان، با هر دو طایفه (خانواده قاتل و مقتول) صحبت کرده و مسئله را بصورت توافقی حل می‌کردند.

ابتدا بزرگان و ریش سفیدان، اجازه خواندن فاتحه (برای مرحوم) را از خانواده مقتول میگرفتند و قاتل را بصورت دست بسته، همراه یک جلد قرآن کریم و یک قبضه چاقو با حضور مردم به خانه پدر مقتول میبردند. در آنجا بستگان مقتول به قاتل روی خوشی نشان نمیدادند و حتی به او ناسزا نیز میگفتند و اشیایی بطرف او پرتاب می‌کردند؛ ولی بزرگان و ریش سفیدان آنها را آرام می‌کردند؛ سپس به پدر مقتول خطاب می‌کردند که این مرد (قاتل) اکنون در اختیار توست؛ یا بحق قرآن او را مورد بخشش قرار بده یا انتقام پسرت را با این چاقو از او بگیر. در این هنگام پدر مقتول گذشت می‌کرد و قاتل را مورد بخشش قرار میداد و بند دستهای او را میگشود. ریش سفیدان با صدای بلند صلوات میفرستادند و به قرائت فاتحه میپرداختند.

البته مسئله بخشش قاتل از سوی پدر مقتول، معمولاً در هنگامی صورت میپذیرفت که اعضای خانواده مقتول به این باور میرسیدند که در نزاع پیش آمده، مقصر اصلی فرزند آنها بوده است. وقتی مسئله با گذشت به اتمام میرسید، خانواده قاتل باید مبلغی پول را که بصورت توافقی در نظر گرفته شده بود، همراه با تعدادی گوسفند، یک رأس اسب، یک قبضه اسلحه و یک دختر دم بخت، بعنوان خونبها به خانواده مقتول تحویل دهند. ریش سفیدان، دختر یکی از بستگان نزدیک قاتل را به عقد و ازدواج پسر یا برادر یا عمو یا پسرعموی مقتول در می‌آوردند تا شاید بدینوسیله از هرگونه تنش و ستیز بعدی پیشگیری کرده باشند و جلوی هرگونه خونریزی مجدد را بگیرند. به این نوع ازدواج «خون بس» میگفتند.

در این نوع ازدواج دختر را بدون هیچگونه تشریفاتی به عقد یکی از اعضای خانواده مقتول

در آورده و چنانچه مشکلی برای دختر پیش می‌آمد، خانواده دختر حق هیچگونه اعتراضی نسبت به خانواده مقتول نداشتند و در واقع تا زمانی که دختر صاحب بچه‌ی نمیشد، همانند یک کنیز یا برده، خدمتگذار خانواده مقتول بود و بعد از تولد فرزندش، شاید رفتار اعضای خانواده مقتول با او کمی تعدیل میشد.

اینگونه ازدواجها همانگونه که از نفس آن بر می‌آید، بدلیل اینکه از روی تمایل قلبی صورت نمیگرفت، هیچگاه موفق نبود و چنین دختر یا زنی که در عوض خون آمده بود، همواره مورد نکوهش و آزار و اذیت خانواده شوهر خود واقع میشد.

اینگونه ازدواجها در میان بختیارها ضرب المثل شده‌اند و هر از گاهی که نزاع یا حتی برخورد لفظی بین زن و شوهری بوجود می‌آید، خانواده زن میگویند: «مگر دخترمان جای خون آمده است که اینگونه با او رفتار میکنید؟» اینگونه پیوندها اگر چه ممکن بود در فروکش کردن نزاعهای بعدی تا حد زیادی تأثیر داشته باشند؛ اما هرگز نمیتوانستند ازدواج موفق باشند؛ زیرا انگیزه اینگونه پیوندها نه بر مبنای علاقه؛ بلکه بر اساس مصلحت‌اندیشی بوده تا شاید بدانوسیله از تنشهای بعدی پیشگیری کرده باشند.

نتیجه‌گیری

آداب و رسوم ازدواج بختیارها از نظر رعایت اصول کلی، مشابهت زیادی با رسوم جاری در کل کشور دارد و آنچه که آن را از مراسم ازدواج سایر ایرانیان متمایز میسازد، ریزه کاریها و اجرای برخی از رسوم وابسته به مراسم اصلی از قبیل خواستگاری؛ حنابندان؛ عقد؛ جهیزیه؛ و... است. در خواستگاری به شأن اجتماعی خانواده دختر توجه دارند و دخترشان را به مردی فرودست‌تر از خود نمیدهند.

ازدواج در بین عشایر بختیاری بر پایه سنتهای کهن، تحکیم روابط خویشاوندی، ایجاد همبستگی و گسترش تیره و طایفه است. در ازدواج دختر بختیاری، نقش پدر دختر بسیار پر رنگ دیده میشود و در نهایت نظر پدر خانواده، تعیین‌کننده است. علاوه بر پدر، نظر مادر و بزرگان (پیرزنان و پیرمردان و ریش سفیدان و...) ایل نیز، بعنوان میراث‌داران فرهنگ بختیاری محترم شمرده میشود. احترام به این اشخاص و ضرورت حضورشان در مراسم مرتبط با ازدواج، سبب تسهیل در انجام امور شده و کارها بشکل معقولانه‌تری انجام میگردد. آنها در تعیین میزان مهریه و مبلغ شیربها، همچنین تهیه سیاهه جهیزیه و تعیین زمان عقد و عروسی نقش مهمی ایفا میکنند.

مایحتاج زندگی دختر عشایر، بعنوان جهیزیه، نشأت گرفته از سبک زندگی عشایری و توان مالی خانواده است. از آنجایی که در زندگی کوچ نشینی تکیه بر جابجا شدن و کوچ است، بر این اساس گوسفند ماده (که زاد و ولد میکند) و گاو و مادیان از درجه اهمیت بالایی برخوردارند. از اینرو در جهیزیه و پیشکشها به موارد زیادی از گوسفند، اسب، قاطر و غیره برخورد میکنیم که بعنوان هدیه عروسی یا پاگشا به عروس و داماد داده میشود. در ازدواج عشایری، مانند دیگر امور زندگی آنها، افراد ایل به کمک یکدیگر میشتابند و این از نقاط بسیار مثبت زندگی ایلی بشمار میرود. افراد ایل بختیاری شادی و غم افراد ایل را غم و شادی خود میدانند و در آنها شرکت میکنند. این نکته در همه زندگی کوچ نشینی بچشم میخورد.

ایل بختیاری به نان، بعنوان مهمترین نعمت خداوند و نیز بعنوان قوت بسیار احترام میگذارد. از اینرو به هنگام روانه کردن دختر خود به خانه بخت، نان را در حالی که در پارچه‌یی به رنگ سبز بسته شده است، به کمر او میندند تا زندگیش سرشار از برکت باشد. این نان را پسر بچه‌یی نابالغ به کمر عروس میندند. این مسئله از چند جهت قابل تأمل است:

پارچه سبز، نان، پسر بچه. مرد و زن عشایری در باور خود میخواهند بدینوسیله به زندگی فرزندان‌شان برکت هدیه کنند. از این جهت که فرزند پسر ادامه دهنده نسل و از جایگاه ویژه برخوردار است، نان را پسر بچه نابالغ به کمر عروس میندند. نان نماد برکت و کسب روزی حلال و رنگ سبز نشان از سرسبزی و قداست در زندگی دارد. به تعبیر دیگر مردمان عشایر بسیار خوب فهمیده‌اند که برکت و تداوم یک زندگی، جز در سایه تلاش و کوشش بدست نمی‌آید.

در آداب و رسوم ایل بختیاری، موسیقی از جایگاه خاصی نزد افراد ایل برخوردار است و از موسیقی در تمام آیینهای عروسی و عزا استفاده میشود.

مانند بسیاری از نقاط ایران، در بین اقوام لر و بختیاری مرسوم است، چنانچه فردی از اقوام عروس یا داماد فوت کرده باشد، خانواده عروس یا داماد نزد آنها رفته، برای برگزاری مراسم حنابندان و سایر مراسم مرتبط با عروسی از آنها اجازه بگیرند؛ البته این در صورتی است که حتماً مدتی از چهلم متوفی گذشته باشد.

علاوه بر این آداب و رسوم که کمابیش در بیشتر نقاط ایران مردم به آن پایبند هستند، انواع دیگری از ازدواج در بین بعضی از طوایف و برخی از روستاهای بختیاری نشین وجود دارد. در بین برخی از این نوع ازدواجها، قوانین ظالمانه‌یی برای دختران و زنان در مورد این امر وجود دارد که هرچند امروزه تا اندازه‌یی تعدیل شده؛ اما از بین نرفته‌اند و باید امیدوار بود که روزی این قوانین

غیر عادلانه از بین کلیه گروه‌های اجتماعی کشور از جمله بختیارها رخت بر بندد. در جامعه عشایری رسوم دیگری از ازدواج، بشکلهای گوناگون و با نامهای محلی وجود دارند که در اینجا شرح آنها آورده میشود:

از دیدگاه منطق عشایری که سایه شوم خود را همچنان بر طوایف متعدد عشایر کشور و از جمله بختیارها گسترده است از گذشته تاکنون، پیوند دختر عشایری را با پسر عموی در آسمانها بسته‌اند و این در نظام کهنسال عشیره‌یی؛ یعنی اعطای حق به پسر عمو، بعنوان «مالک رقاب»^۱ یا در واقع صاحب اجازه ازدواج دختر باشد. بدون اجازه عمو یا پسر عمو یا بستگان پدر، دختر حق ندارد با کسی ازدواج کند و عدول از این، در قاموس قبیله کفر شمرده میشود و کیفرش، دعوا و جدال و آتش افروزی و گاهی قتل است. بر اساس این سنت، اولویت ازدواج دختر عمو با پسر عمو است و دختر عمو از ازدواج با خواستگار دیگر نهی شده است و در صورت خواستگاری شخصی دیگر از دختر، پسر عمو حق دارد، مانع وصلت آن دو شود. بنابراین بارها دیده شده که وقتی حق او نادیده گرفته شده است، پسر، دختر عمو یا خواستگار او یا حتی عموی را کشته است.

در مواردی هم در جامعه عشیرتی کشور بارها پیش آمده که دختری با تحصیلات دانشگاهی را مجبور کرده‌اند تا با پسر عمویی بیسواد یا با تحصیلات پایین یا دارای شغلی بسیار پایینتر از شغل دختر ازدواج کند. پاسداران این آیین غیر انسانی از این بابت دغدغه‌یی بخود راه نمیدهند؛ زیرا تأکیدشان بر اجرا و تداوم این رسم جان‌سخت جاهلی است.

در شکل دیگری، معمولاً هنگام تولد دختری در یک خانواده، خانواده دیگری که صاحب پسر است، در روز تولد دختر با بردن هدایایی، مثل کله قند و پارچه، آن دختر را با پسر خود نامزد میکنند. به این مراسم «ناف برون» میگویند و کمتر اتفاق می‌افتد که در این پیوند خدشه‌یی وارد شود. اگر پسر یا دختر ناف بر شده باشند، بعد از اینکه ناف بر شدند، مجبور به ازدواج با ناف بر خود هستند؛ حتی اگر پسر یا دختر دچار نقص عضو شوند.

هر چند این رسم و رسوم مشابه دیگر، در چند دهه اخیر در تعدادی از تیره‌ها اجرا نمیشود یا قدری در اجرای آن تعدیل شده و پایه‌های این اعتقادات در بین عشایر بختیاری تا اندازه زیادی سست شده است و رعایت آن بشدت و حدت گذشته نیست؛ ولی هنوز هم سایه شوم خود را بر سر

۱. مالک الرقاب؛ صاحب گردن‌ها؛ کنایه از مولی و بزرگ و فرمانروا (دهخدا).

دختران بختیاری و سایر اقوام عشیرتی کشور گسترده است. آنچنان که این مسئله، بویژه در میان خانواده‌های عشایر عرب بسیار معمول است؛ چون اصولاً دختر به غیر عرب و موالی نمیدهند. جا دارد که با فرهنگ‌سازی و دخالت مسئولان بزرگان و ریش‌سفیدان عشایر، نسبت به حذف اینگونه رسوم ظالمانه از بین عشایر کشور اقدام شود.

در ازدواجی که زن نقش دیه را بازی میکند (زنی که اعضای خانواده‌اش مرتکب جرم سنگینی، مانند قتل، هتک ناموس یا نقص عضو شده باشند)، به ازدواج یکی از خویشاوندان شخص مورد تعدی در می‌آید. چنین زنی حق طلاق ندارد و فرزندانش همواره از داشتن چنین مادری احساس حقارت میکنند (آرمند، ۱۳۴۷: ۲۳) در گذشته، نحوه تحویل زن به خانواده داماد بر مبنای جرم مرتکب شده قاتل فرق میکرد. مثلاً در نوعی از انواع ازدواج، زن را از گیسوانش میگرفتند و به اهل طایفه‌ی میدادند که دشمن خانواده او محسوب میشد تا به ازدواج مردی مسن یا بیمار در بیاید.

خوشبختانه این رسم غیرانسانی اعطای زن، بعنوان «هدیه» یا اجبار زن از یک عشیره به ازدواج با فردی از عشیره دیگر، بعنوان دیه عشایری هم جزو سنتهایی است که در حال اضمحلالند و بندرت در جامعه ایلی بختیاری دیده میشوند.

پرداختن به آداب و رسوم ازدواج در بین ایل بختیاری، بسیار فراتر از یک مقاله چندین صفحه‌ی است. هر یک از مراحل ازدواج بختیاری خود مبحث یک مقاله مفصل است که می‌طلبد زوایای پیدا و پنهان آن بررسی و تحلیل شود. اگرچه ازدواج بختیاری و انواع آن نقاط ضعف و مثبت فراوانی دارد؛ ولی مفتخریم که این آیینها و اعتقادات، به یک گوشه پنهان از ایران و به این فرهنگ کهن و عمیق اختصاص دارد و قسمتی از هویت ایرانی ما را به بیان میکند. این مختصر، فقط گوشه چشمی به این مراسم داشته است.

منابع

- امیر احمدیان، بهرام؛ پژوهشی درباره ایل بختیاری، تهران: آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- آرمند، عبدالصاحب؛ جغرافیای تاریخی دشت میشان، سوسنگرد: شرکت سهامی چاپخانه فردوسی، ۱۳۴۷.
- دتیر، امان؛ بختیاریها عشایر کوه‌نشین ایرانی در پویه تاریخ، ترجمه سیدمحسن محسنیان، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
- مشیری، سید رحیم؛ جغرافیای کوچ‌نشینی، تهران: سمت، ۱۳۷۲.
- یوسفی، حسین؛ فرهنگ عامیانه مردم رامهرمز، چاپ اول، قم: نشر مقام محمود، ۱۳۸۷.

گفتگو

- تحقیقات میدانی و گفتگو با کارشناس بنیاد ایرانشناسی (شعبه چهارمحال بختیاری) و آگاهان و معتمدان طوایف در شهرهای بختیاری‌نشین.
- گفتگو با کاظمی؛ (از پیشه‌وران شهر بابا حیدر)، ۱۳۸۷.
- گفتگو با کریم زاده؛ (مسئول تقسیمات کشوری استانداری چهارمحال بختیاری)، مرداد ۱۳۸۷.
- گفتگو با ایرج علیدوستی؛ (دبیر دبیرستانهای شهرکرد)، ۱۳۹۲.
- گفتگو با نظری و عاطفی؛ (کارمندان کتابخانه عمومی رامهرمز)، اسفند ۱۳۸۷.